

هنر و سینما



در همان روز ۲۸ دسامبر ۱۸۵۹، که برای نخستین بار سینما به مردم معرفی شد، موسیقی نیز در زیر زمین «لوگران کافه»، در «بولوارده کاپوسین» پاریس حاضر بود. یک نوازنده پیانو با آهنگ های «پولکا» فیلم های کوتاه «تعطیل کارخانه»، «ورود قطار به ایستگاه» و «خروج قایق از بندر» را که نخستین فیلم های سینما هستند و در آن روز به نمایش درآمدند همراهی میکرد. شکی نیست که امروز موسیقی زبان اصلی فیلم شمرده میشود، ولی از همان روز اول منظور این سازش و همکاری بین دو هنر، یک هدف هنری نبود.

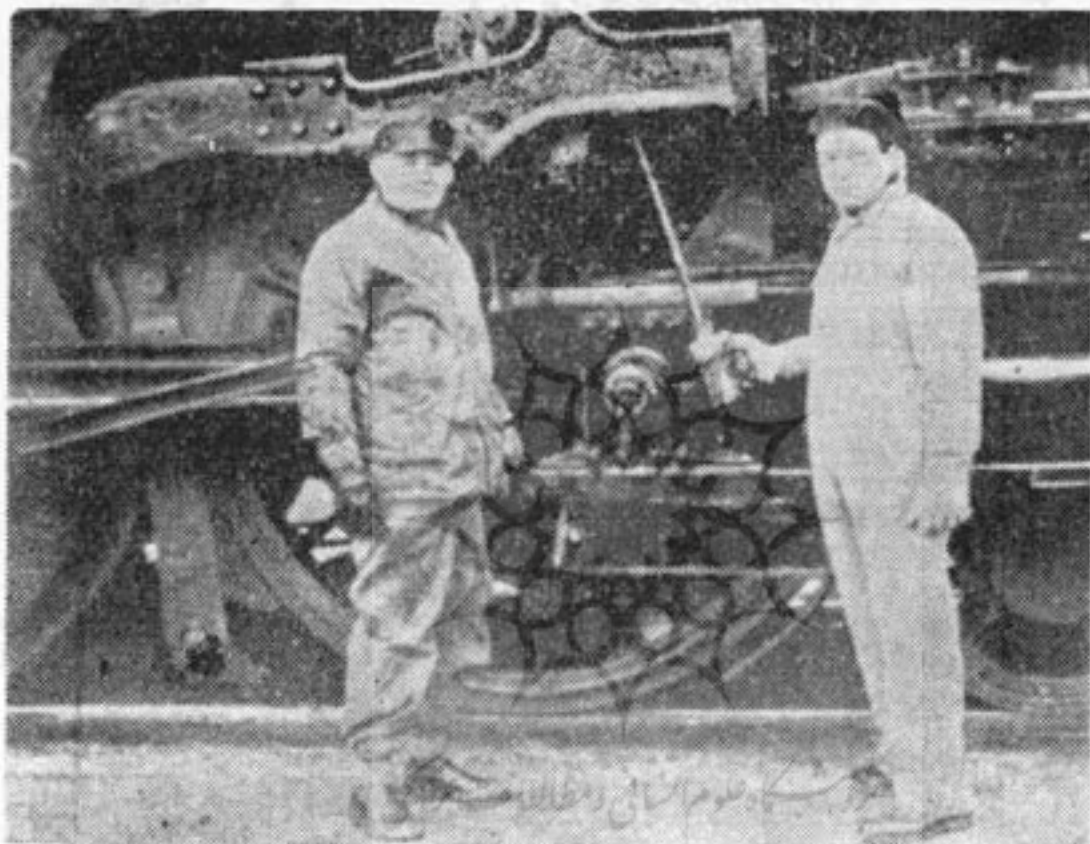
ژرژ وان پاریس (۱) آهنگساز مشهور فرانسوی معتقد است که چون در آن روز دستگاه های نمایش فیلم مثل امروز تکمیل نشده بود و سروصدای زیادی برای میانداختن و آنرا بجای اطاقک مخصوص در خود سالن میگذاشتند آهنگ هایی توسط پیانو یا ارگستر اجرا میشد تا صدای دستگاه نمایش را «پوشاند».

بعد ها که دستگاه نمایش فیلم از سالن به اطاقک مخصوص (۲) انتقال

۱ - G. Van Parys همان کسی است که آهنگهای فیلم Les Belles de Nuit - (اسم کلی است که شب ها میشکند) اثر رنه کلر را که با عنوان بی معنی «رویای شیرین» بفارسی دوبله شد، ساخته است.

۲ - Cabine de projection

یافت « موسیقی همراهی » که وجودش مفید تشخیص داده شده بود مقام خود را حفظ کرد . مدت ده ، دوازده سال موسیقی فیلم این وضع را حفظ کرد تا آنکه برادران « لافیت » با ایجاد مؤسسه « فیلم هنری » (۱) بر آن شدند که سینما را از دکه‌های چوبین خاص نمایشهای مکاره (۲) نجات داده ، وضع آبرومند تری برای آن تهیه کنند و چون خواستند فیلمهای بهتری تهیه کنند بموسیقی آن نیز توجه کردند ، برای همراهی فیلم « قتل دو کیز » اثر مشترک



علاقه‌ای که " اوته گر " نسبت با انواع لکوموتیو داشت ضرب المثل است او خود در این باره میگفت: " همانطور که بعضی نسبت با سبها و برخی بزنها علاقه میورزند ، من هم انواع لکوموتیورا دوست دارم ... " پاسیفیک ۲۳۱ (که اسم نوعی از لکوموتیوهای سریع السیر است) را اوته گر برای همراهی فیلمی بهین نام نوشته است . در این عکس " اوته گر " در لباس کارگران لکوموتیو در کنار پاسیفیک ۲۳۱ و همراه راننده آن دیده میشود .

Spectacles Forains - ۲ Le « Film d'Art » - ۱

«لاودان»، «کالمت»، «لوبارژی» از يك آهنگساز مشهور یعنی «سن-سانس» که در آن موقع بیش از هفتاد سال از عمرش میگذشت و غرق در افتخار و شهرت بود، خواستند تا قطعه‌ای برای این فیلم بسازد که توسط او کستر، حین نمایش فیلم در سالن اجرا گردد.

چندی بعد «ژرژهو» قطعه‌ای برای همراهی فیلم «بازگشت اولیس» که توسط مؤسسه «فیلم هنری» تهیه شده بود ساخت.

«آبل گانس» از نخستین کارگردانانی است که متوجه اهمیت موسیقی در سینما شد، وی از «موریس میشل لهوی» آهنگساز خواست تا قطعه‌ای برای فیلم «دهمین سفونی» بسازد. آبل گانس تجربه خود را ادامه داد و از «آرتور اونه گر» آهنگسازی که بصدای موزون لو کوموتیو و قطار راه آهن علاقه داشت خواستار شد تا قطعه‌ای برای فیلم «چرخ» بسازد. در «مونتاز» این فیلم همانطور که حرکت او کرموتیو تندتر میشود تا به سانحه منجر گردد، شدت موسیقی نیز بهمان نسبت قوت میگیرد. در ۱۹۴۹ همین قطعه اونه گر موسیقی همراهی فیلم دیگری بنام «پاسیفیک-۲۳۱» اثر «ژان میتری» گردید.

«پاسیفیک ۲۳۱» که توصیف و تقلید حرکات يك نوع مخصوصی لکوموتیو است، بعنوان يك قطعه موسیقی مستقل، از آن پس مشهور شد و امروزه یکی از آثار مشهور «اونه گر» میباشد.

دو سال بعد آهنگساز بزرگ دیگری چون «اریک ساتی» بموسیقی سینما علاقمند شد و برای فیلم رنه کلر «آنتراکت» (۱) قطعه‌ای ساخت.

کارگردانهای دیگری نیز برای فیلم هایشان قطعاتی بآهنگسازان سفارش میدادند، «ژرمن دولاک» کارگردان زن معروف و یکی از بنا گزاران «مکتب سینمای فرانسه» برای همراهی بعضی فیلمهایش از آهنگسازان خواست تا قطعاتی تنظیم کنند.

«فلوران شمیت» آهنگساز مشهور معاصر فرانسوی برای «سالامبو» (۱۹۲۵) اثر «پیرمادون»، «آنری رابو» موسیقی دان عالیقدر معاصر برای «شطرنج باز» (۱۹۲۶) اثر «رمون برنار»، «موریس ژوبر» برای «دروغ نیناپتروونا»، «ژان گرمیون» کارگردان و موسیقیدان نامدار، برای فیلمش بنام «گردش در ساحل» (۱۹۲۶) آهنگهایی ساختند.

این تجربیات تنها در فرانسه بعمل نیامد، در آلمان نیز مطالعات و

آزمایشهایی درباره تطابق موسیقی با فیلم انجام گرفت. «فریتزلانگ» برای همراهی قسمت اول «نیلونکن» (۱۹۲۳) یعنی «مرگ زیگفرید» از «گوتفرید هوبرتز» و برای قسمت دوم یعنی «انتقام کریسمیلد» از

در آسمان از آن شامت

ضبط صدا ۱۷
اطاق نهار خوری
صداهای
میدان
گفتگو
تصویرها

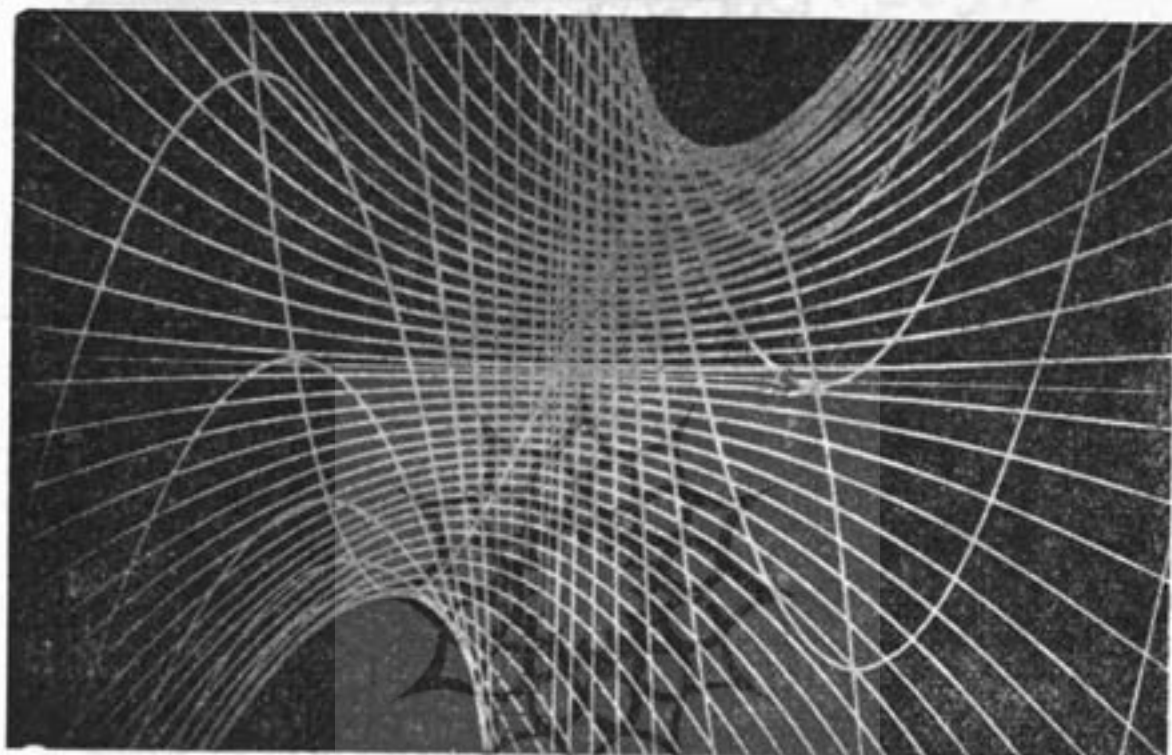
The image shows a handwritten musical score with several staves. The score is annotated with time markers and descriptive notes. Key elements include:
 - Time markers: ۳۱, ۴۷, ۴۹, ۵۱, ۱۰۵, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۳, ۲۰۵, ۲۱۰, ۲۱۵.
 - Notes: 'دابل روی سبکت', 'صداها', 'گفتگو', 'تصویرها', 'میدان', 'موسیقی'.
 - Musical notation: Treble clefs, notes, rests, and dynamic markings like 'pp' and 'mf'.
 - Descriptive text: 'صداها', 'گفتگو', 'تصویرها', 'میدان', 'موسیقی', 'طوره نشسته', 'نویسنده: ...', 'کوک + مادر بزرگ', 'مادر بزرگ', 'مادر بزرگ'.

تصویر بالا قسمتی از سناریوی فیلم «آسمان از آن شامت» را بهمان صورتی که گرمیون کارگردان موسیقی دان آن تهیه کرده است نشان میدهد. در آن تغییرات متقابل سه عامل صدا، گفتگو و موسیقی هنگام فیلمبرداری بخوبی دیده میشود و نقش همراهی موسیقی بصورت دقیقی معین شده است.

«والتر وتمان» خواست تا آهنگهایی بسازند. سازنده آهنگ فیلم «مرگ زیگفرید» با در نظر گرفتن ابرای معروف «ریشاروا گنر» آهنگی جهت این اثر معروف فریتزلانگ ساخت.

پس از اختراع ناطق، گفتگو بصورت افزوده شد و وسایل فنی اجازه داد که صدا و موسیقی در حاشیه نوار فیلم ضبط گردد. ولی، از نظر استتیک به موسیقی فیلم لطمه خورد، برای آنکه توجه تماشاچی هنگام نمایش، از موسیقی، که تا آن وقت تنها زبان فیلم بود، سلب شده بگفتگو جلب میگردد.

اما بطوریکه گفتیم از نظر فنی انجام کار قدری سهولت یافت زیرا از آن ببعد بجای آنکه در هر سانس از کستری در سالن قطعات مربوطه را بنوازد، آنرا در استودیو روی حاشیه فیلم ضبط میکردند و بدین طریق هنگامیکه فیلم از کشور دیگر میرفت در اجرای موسیقی همراهی آن، بعلت عوض شدن از کستر که سابقاً بطور اجبار وجود داشت، تغییری حاصل نمیکردید.



تفسیر و همراهی قطعات موسیقی بوسیله اشکال هندسی متحرک و متغیر، تاکنون مورد توجه چند تن از هنرمندان سینما قرار گرفته است. عکس بالا قسمتی از فیلمی است که "مارک کانتاگرل" در تفسیر هندسی "رون دو درر بزرگ" اثر موزارت تهیه کرده است.

مقارن او ان اختراع ناطق، کسانی مثل «رنه کلر» که از مخالفین بکار بردن گفتگو در فیلم بودند و عقیده داشتند که سخن به حرکت یعنی اساس هنر سینما لطمه میزند، استفاده از موسیقی را مقدم شمردند. اولین اثر ناطق رنه کلر یعنی فیلم «زیر بامهای پاریس» (۱۹۳۰) این نظر را تأیید میکند. قهرمان این فیلم «آلبر پرژان» که خواننده دوره گردی است اشعاری را که، ضمناً آهنگ آن، موسیقی متن فیلم را تشکیل میدهد، میخواند.

کارگردانهای دیگری نیز در کشورهای مختلف آثاری از این نوع بوجود

آوردند. یعنی موسیقی را به سخن ترجیح دادند. در این مجموعه فیلم‌هایی بوجود آمد که جزو آثار برجسته سینما - و نیز موسیقی - بشمار میرود مثل «اپرای دوره گردان» (۱) اثر «ژرژ ویلهلم باپست»، «۱۴ ژوئیه»، «آخرین میلیاردر» اثر «رنه کلر»، «دفترچه بال» (۲) اثر «ژولین دوویویه» و بسیاری دیگر ...

دکتر هوشنگ کاوسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Opera de quat'sous - ۱

Carnet du bal - ۲